



حد وسطی از وظیفه‌گرایی و فایده‌گرایی اخلاقی در اسلام قابل تعریف است

مدیرگروه فلسفه مجمع عالی حکمت اسلامی با بیان اینکه وقتی می‌گوئیم اسلام، خاتمیت و جامعیت دارد یعنی می‌خواهد اخلاق و ارزشهای واحد ...

مدیرگروه فلسفه مجمع عالی حکمت اسلامی با بیان اینکه وقتی می‌گوئیم اسلام، خاتمیت و جامعیت دارد یعنی می‌خواهد اخلاق و ارزشهای واحد جوامع را توضیح و تبیین و اجرا کند، گفت: اکنون علمای اخلاق یا فایده‌گرا یا وظیفه‌گرا هستند اما در اسلام چیزی بینابین اینها را می‌توان تعریف کرد. به گزارش خبرنگار مهر، ویژگی‌های نظریه اخلاق متناسب با جامعه چیست؟، آیا نظریه‌های اخلاقی برای جوامع مختلف متفاوت هستند؟، آیا ارزشهای اخلاقی مشترک برای همه جوامع وجود دارد یا نه؟ این سؤالات و سؤالات دیگر ما را بر آن داشت که با کارشناسان این عرصه به گفت‌وگو بنشینیم. مطلبی که پیش روی شماست گفت‌وگویی در این موضوع است که با حجت‌الاسلام والمسلمین حسن معلمی، استاد حوزه و دانشگاه و مدیرگروه فلسفه مجمع عالی حکمت اسلامی انجام دادیم که از نظر شما می‌گذرد.

*آیا می‌توان گفت یک مکتب یا نظریه اخلاقی برای جامعه‌ای بهتر از جامعه دیگر است؟

پاسخ به این سؤال به این امر ارتباط دارد که در فلسفه اخلاق، واقع‌گرا یا غیرواقع‌گرا باشیم. دو نظریه در فلسفه اخلاق وجود دارد. برخی‌ها می‌گویند: گزاره‌های اخلاقی ناظر به واقع هستند و با واقعیتها ارتباط دارند و برخی‌ها معتقدند که نه این گونه نیست و براساس احساسات آدمیان، آداب و رسوم جوامع اخلاقی وجود دارد که هیچ ربطی به واقعیتها ندارد. (مثل دیدگاه اشاعره)

اگر قائل به بی‌ارتباطی گزاره‌های اخلاقی با واقع باشیم بر این اساس هر جامعه‌ای می‌تواند نظریه اخلاقی متناسب و خاص آن جامعه را داشته باشد که مسلماً در جامعه‌ای متناسب‌تر و بهتر است. اما این قاعده را از اساس مردود می‌دانیم که گزاره‌های اخلاقی صرفاً یک امور احساسی، یا مربوط به آداب و رسوم باشند. ما معتقدیم نه براساس معرفت‌شناسی درست و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی درست که ما آنرا توحیدی و الهی می‌دانیم قطعاً نظریه اخلاقی واحدی باید بر همه جوامع حکمفرما باشد. این اصول کلی است، ممکن است جزئیات و موارد خاص ممکن است به آداب و رسوم برگردد، اما اصول کلی اخلاق باید واحد باشد و همه جوامع به آن نیاز دارند.

وقتی می‌گوئیم اسلام، خاتمیت و جامعیت دارد اخلاق و ارزشهای واحد جوامع را خواسته توضیح دهد و تبیین و اجرا کند که نیازمند بحثی طولانی است که مبانی آن چیست. ولی در پاسخ به سؤال شما با توجه به مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ما منفی است. ما باید یک دیدگاه کلی اخلاقی و یا نظریه اخلاقی جامعی داشته باشیم برای همه جوامع که اگر جامعه‌ای آنرا اجرا نکرد، نقص خود آن جامعه است.

*هنری سیجویک می‌گوید: اگر افراد یک جامعه نظریه فایده‌گرایی اخلاقی را به کار ببرند، باز این نظریه، یک نظریه اخلاقی خوب نیست. دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

این دیدگاه به این امر بر می‌گردد که ما فایده‌گرایی را قبول داریم یا نه؟! چون در اخلاق هنجاری این بحث مطرح می‌شود که شما وظیفه‌گرا هستید یا فایده‌گرا؟ بعضی‌ها چون فایده‌گرایی را قبول ندارند و وظیفه‌گرا هستند. می‌گویند حتی اگر همه افراد جامعه آنرا پذیرفته باشند و یا فایده‌گرایی بیشترین سود را داشته باشد باز هم دلیلی بر کامل بودن و یا خوب بودن آن نیست. این امر به مبنا (یعنی فایده‌گرا بودن یا وظیفه‌گرا بودن) بر می‌گردد.

در واقع ما معتقدیم که فایده‌گرایی درست است، منتها تلفیقی از فایده‌گرایی و وظیفه‌گرایی را می‌پذیریم. ما نه فایده‌گرای صرف هستیم و نه وظیفه‌گرای صرف. یک چیزی بینابین اینها هستیم. در اسلام چیزی را بینابین اینها می‌توان تعریف کرد.

1718#؛ سیجویک»، باید این گونه اعتقاد داشته باشد و این حرف را بزند چون فایده‌گرایی را فایده‌گرایی حداکثری یا افراطی معنا می‌کنند، مسلماً دیدگاه انتقادی به آن دارند اما اگر تلفیقی از فایده‌گرایی و وظیفه‌گرایی باشد شاید بتوان به جمعی رسید. یعنی شاید سیجویک هم می‌خواهد این را بیان کند یعنی تأکید دارد که فایده‌گرایی حداکثری کافی نیست. اگر منظورش این باشد نظرش درست است.

*به نظر شما طرح یک نظریه اخلاقی در یک جامعه مستلزم توجه به چه عواملی است؟

یک نظریه برای تدوین به مبانی معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی نیاز دارد، اما اجرای یک نظریه اخلاقی به راهکار نیاز دارد. ممکن است نظریه اخلاقی ایده آلی وجود داشته باشد اما جامعه زمینه اجرایی آنرا نداشته باشد. باید از حداقلها شروع کرد، مثل اسلام.

حضرت امام(ره) می فرمود: اگر نتوانید به دستورات اسلام در حکومت اجرا کنید دلیل نمی شود که حکومت تشکیل ندهید، حکومت باید تشکیل شود و کم کم باید به سمت اجرای بیشتر احکام اسلامی حرکت کرد، ولو اینکه از اجرای 50 - 60 درصد احکام اسلامی شروع کرد تا به اجرای صد در صد رسید. لذا نظریه اخلاقی به بحث تئوری و نظری نیاز دارد اما بحث اجرایی آن هم مطرح است که گاهی زمینه مطلوب آن وجود دارد و گاهی هم باید از حداقل شروع کرد تا به نظریه مطلوب و نهایی رسید.